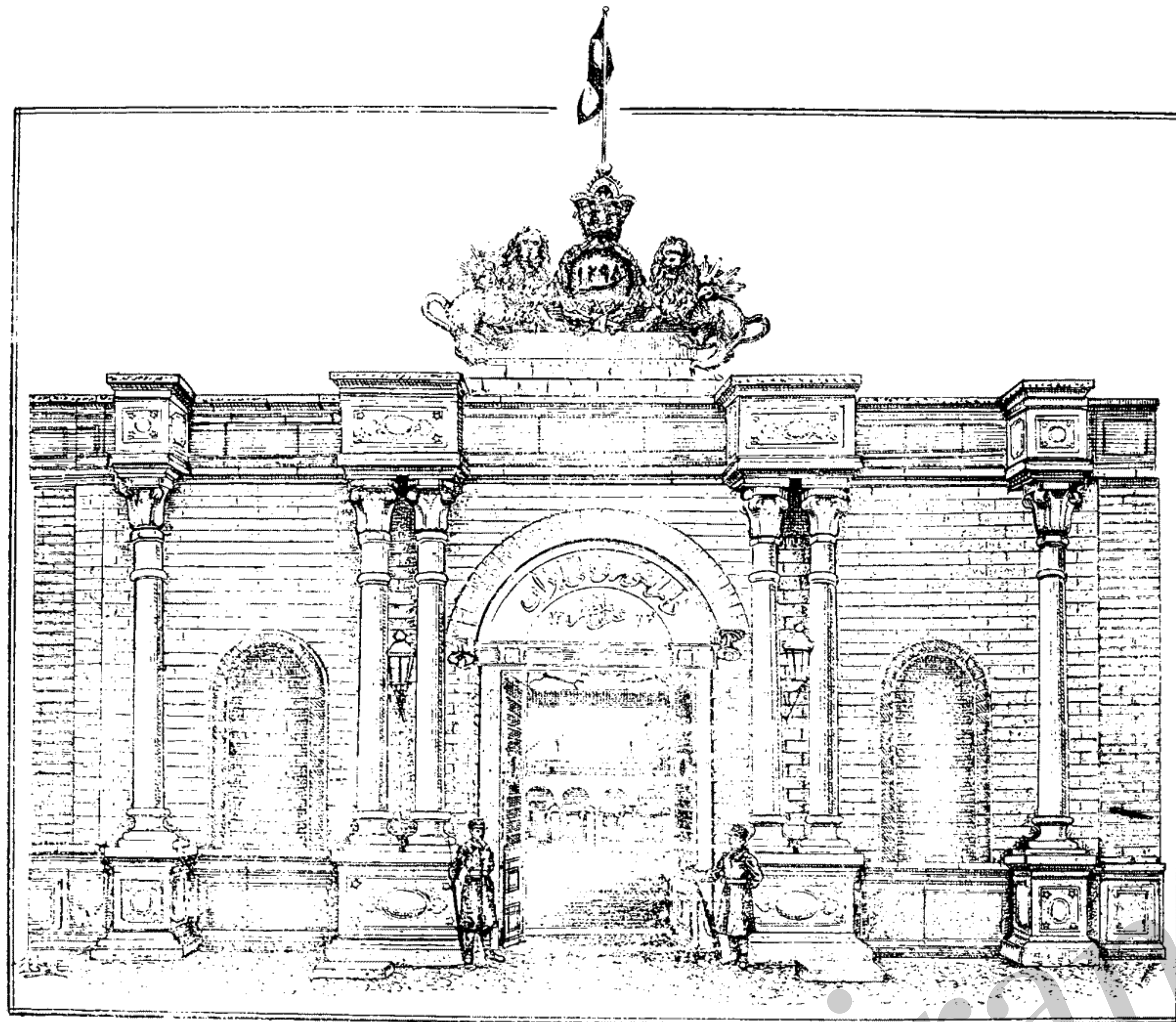


جلسه ۹۷	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره شصت و سوم
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق اول ذیقعده الحرام ۱۳۴۵	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعه مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجه « دوازده تومان » قیمت تک شماره يك قران

فهرست مندرجات



ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تسلیم عهدنامه مودت و قرارداد تجارنی بین ایران و لهستان از طرف معاون وزارت امور خارجه	۱۲۶۶	-
۲	مذاکره و شور در اطراف مواد پنج و هشت خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به تاسیس بانک	۱۲۶۶	۱۲۸۷

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق اول ذیقعده ۱۳۰۵

جلسه ۹۷

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریست آقای بیرنیا تشکیل گردید)
 (صورت مجلس بکشنه دهم اردیبهشت را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقایان: میرزا حسینخان موقر - نظام مافی - ...
 ابراهیم ضیاء - میرزا حسینخان دادگر - عطاء الله خان
 پالیزی - عباس میرزا - نوبخت - بهبهانی - میرزا محمد تقی

بهار - والی زاده - جوانشیر

عائین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علیخان اعظمی - محمد آخوند - حاج حسن

آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - شیروانی - میرزا عبدالله خان وثوق محمود رضا.

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیب الله امین - میرزا ابراهیمخان قوام - دکتر مصدق - جهانشاهی

میرزا حسنخان وثوق

رئیس - آقای حیدری

حیدری - راجع به اخوند محمد در جلسه گذشته هم عرض کردم ایشان اجازه مرخصی خواسته با اینحال ایشان را غائب بی اجازه نوشته اند.

رئیس - تذکرات ایشان را فرستاده ایم به کمیسیون مرخصی بعد از آنکه راپرت کمیسیون آمد به مجلس و تصویب شد تمام غیبت هائی که نوشته شده با اجازه محسوب خواهد شد ولی موقوف است به تصویب مجلس. صورت مجلس دیگر اعتراضی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

معاون وزارت امور خارجه - عهدنامه مودت و قرارداد تجارتي بين ايران و لهستان را که بر روی اصول تساوی حقوق منعقد شده است تقدیم می‌دارم.

رئیس - باید مراجعه شود به کمیسیون خارجه و کمیسیون تجارت. خیر کمیسیون قوانین ملایم راجع به بانک مطرح است. موادی که مطرح خواهد شد مواد پنج و هشت و دوازده و دوازده و سیزده. ماده پنج و هشت از خیر کمیسیون بیستم استفسار و مواد دوازده و سیزده از خیر بیست و پنجم استفسار. ماده پنج

قرائت میشود

(شرح آتی خوانده شد)

ماده پنج - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و باستثنای مواردیکه در ماده شش ممنوع گشته پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول یا غیر منقول و یا امضای شخص و یا اشخاصی که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره تضمین گردد شرایط قبول ودیعه بارهن دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد.

تبصره - کلیه قروضی که باعتبار اموال داده میشود نباید از ثبات سرمایه موجود بانک تجاوز نماید فهیمی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - بعد از کله رهن در سطر پنجم باید (و) اضافه شود رهن و دادن وجه.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در این موضوع عرضی ندارم. موافقم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم که بنده مخالفم راجع به این چند فقره است که برای دادن قرض تعیین کرده اند. میگوید: بوسیله اموال معتبره. حالا شرح معتبر چیست؟ باشد. يك صفتی است. تعارف است برای لفظ. (اعم از منقول یا غیر منقول) منقول چیست؟ چه باید باشد؟ آنچه اندازه در مقابل اموال منقول پول داده شود؟ ممکن است يك تنخواهی را بگیرند و بعد معلوم شود که این اموال منقول در مقابل پولی که گرفته اند قیمت نداشته. اگر يك همچو اتفاقی افتاد مسئول است؟ بنده معتقد نیستم که در مقابل اموال منقول وجهی داده شود شاید انشاء الله روزی بیاید که ما فقط بوسیله گرفتن سند به مردم پول قرض بدهیم و البته آرزوی من خواهد آمد ولی امروز بنده با هزار دلیل که بعضی هاش را

میتوانم عرض کنم و بعضی هایش را نمیتوانم مقتضی و صلاح میدانم عرض کنم ثابت میکنم که بهتر این است پول داده شود در مقابل اموال غیر منقول که عبارت از ملك باشد و معادل دو ثلث یا نصف یا کمتر قیمت آن پول داده شود. بنده موافقم. بعد میگوید: و با امضای شخصی و یا اشخاصیکه اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد. بنده میدانم یعنی آن اموال منقول و غیر منقول را بگیرند و علاوه بر آن امضاء از اشخاص معتبر هم بگیرند؟ یا خیر هیچ چیز در مقابل نداشته باشد و همچنین نزد بانک معتبر باشد سند بدهد و هر چه میخواهد بگیرد؟ اگر اینطور باشد بنده مخالفم و استدعا میکنم از نمایندگان محترم که زیر این بار نروند. بد است. و بالاخره در حکم تفریط پول است که به وسائل مختلفه جمع آوری شده است. مؤسسات معتبره. دلم میخواهد بفهمم یعنی چه؟ مؤسسات معتبره یعنی تجارتخانهها؟ یعنی کمپانیها؟ مراد از مؤسسات معتبره این است؟ خوب است توضیح شود که مراد از مؤسسات چیست؟ در حالتیکه بنده با همین هم مخالفم. ما هنوز کارمان به آنجا نرسیده که به مؤسسات یا اشخاص پول قرض بدهیم بدون اینکه چیزی بعنوان رهن یا وثیقه گرفته باشیم. عرض کردم انشاء الله تعالی آن روز خواهد رسید. البته هر وقت در این ملک قانون قویاً حکمفرما شد و مردم به قوانین آشنا شدند و برای مردم صحت عمل يك عادت ناوي شد البته آنوقت اشکال ندارد. ولی الان مراجعه بفرمائید به عملیات بانک شاهنشاهی و بدینمد چطور و به چه وسیله خودش را اداره کرده بانک شاهنشاهی که تازه وارد شده بود پوهائی به مردم قرض میداد. ملك هم رهن میگرفت. به مؤسسات معتبره هم پول قرض میداد. اما همین باعث شد که توانش برگشت دوریل شد. بعد که به این عیب برخورد جلوش را گرفت و جریان کرد حالا میدانم از نومات تجاوز کرده باشد یا نه. بنده اطلاع کامل دارم و بواسطه کتاب خواندن حرف نمی‌زنم. بنده در عمل دیده ام

غرض این است عرایض بنده و امیدوارم آقایان نمایندگان محترم به آن حقایقی که در قلب بنده است و زبانم نمیتوانسته اداء کنند مستحضر شده باشند و مساعدت بفرمایند.

رئیس - آقای زوار

زوار - یکی از شرایط وکالت داشتن سواد فارسی است که هرکس که وکیل شد باید سواد فارسی داشته باشد. اگر نماینده محترم معتبر و منقول را نتوانند معنی کنند بحثی برایشان نیست و بنده برای رفع اشکال ایشان ترجمه میکنم معتبر از اعتبار است (خنده نمایندگان) کسیکه اعتبار داشته باشد به ایشان میگویند این آدم آدم معتبری است.....

کازرونی - نمیدانم

(خنده نمایندگان)

زوار - منقول هم چیزی را از جائی بجائی نقل میکنند این منقول است و غیر منقول اراضی است که بجائی نقل نمیشود. جواهر و عبا و کلاه اینها منقول است..... کازرونی - نه بخشید قربان نمیدانم.

زوار - و خدا نیارد که نماینده محترم محتاج شوند به غیر منقول. اینکه فرمودند اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد یعنی چه؟ یعنی بانک به او اعتماد داشته باشد و او را معتبر بدانند.....

کازرونی - خوب شد فرمودید. (خنده نمایندگان) زوار - مخالفت نماینده محترم يك چیز هی ساده بود و خیلی هم خوشوقتم که بنده رفع اشکال از ایشان بکنم. کسی که پیش بانک اعتبار داشته باشد و بانک او را معتبر بداند خود و پول میدهد و به امضاء او هم نیازی دیگر که این شخص ضمانتش را کرده پول میدهد. این اختصاص به بانک جدید ایران نخواهد داشت و در تمام بانکهای معمول است مقصود از دادن پول به شخص معتبر این است که بانک متقاعد شود که این شخص معتبر است و از همین جهت نوشته شد است که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و بانک او

را معتبر بدانند. فرمودند مؤسسات معتبره یعنی چه؟ فرضاً بنده امروز يك قالی بافخانه مهم یا دواخانه دارم پولهم لازم دارم قالی بافخانه یا دواخانه را پیش بانك وثیقه میگذارم و اطمینان میدهم و از او پول میگیرم این را هم اسمش را میگذارند مؤسسات معتبره و در حقیقت فرمایشات آقای کازرونی را بنده سؤال میدانم نه مخالفت و خیلی هم تشکر میکنم که نمایندۀ محترم راجع به بانك يك مخالفتی نکرده اند فقط يك سؤالانی فرمودند که بنده جواب عرض کردم.

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- بنده عرضی ندارم.

رئیس -- آقای بهمداد

بهمداد -- سابق در موقعیکه این لایحه مطرح بود بنده يك قسمتهائی را یاد داشت کردم که عرض کنم بنده با این سطر (غیر منقول با امضای شخص یا اشخاص معتبره مؤسسات معتبره) مخالفم. ما يك مؤسسه میخواهیم ایجاد کنیم که حیاتی است باید کاملاً دقت و سخت گیری کنیم بعد از آنکه اطمینان پیدا کردیم از جریان و بقای او آنوقت البته همانطوریکه دنیا معاملات بانگی دارند ما هم باید داشته باشیم. امروز مسلم است معاملات بانگهای دنیا بطور امضاء و اعتبار است فقط يك امضای معتبر برای آنها کافی است که بقدر اعتباری که نزد بانك محرز است پول بوقرض بدهد ولی در ملک ما اعتبارات محرز نیست یعنی احراز رسمی نشده. يك تاجر بايك مؤسسه معروف است که این آقا میلیونر است هر وقت بخارج برات میکند صد هزار یوند صد هزار لیره است و همینطور نسبت بخیلی ها میشنوم ولی روی این اسامعاع و شایعات اگر بانك بخواهد معامله کند گرفتار همان بدبختی هائی خواهد شد که تاجر تاجرانهای مهم ما شدند. امتحان و تجربه هم کردیم. در اموال منقول بنده عرضی ندارم زیرا مقوم بانك با کمال دقت تقویم میکند و بانك شرایطی اگر در موقع نرسید ممکن است حراج کنند و پولشانرا بردارند

ولی در اموال غیر منقول نتیجه اش همان میشود که الان داریم از دست آن فرار میکنیم بفروختن خالصجات یکعده املاکشانرا میآورند پیش بانك گرو میگذارند و در سر موعد پول نمیدهند بانك هم لاءالعلاج باید عرضحال بدهد بعدلیه وبعد از ترافع تصرف کند و نازه دولت صاحب خالصه میشود. ملاک میشود. و با اینکه بدون مراجعه به عدلیه ناچار میشود ملک را تصرف کند و صاحب خالصه و ملک میشود. در صورتیکه داریم از ملاک بودن دولت و صاحب خالصه بودنش فرار میکنیم و لایحه فروش خالصجات را بمجلس می آوریم. اینکه نوشته شده مؤسسات معتبره البته کسیکه صاحب يك کارخانه بزرگ یا يك تجارتخانه معتبر است میتواند با امضاء خودش از بانك قرض کند ولی باز مسئله اعتبار در میان است و تحت رسمیت در نیامده. تثبیت دارائی در ملک ما اجباری نیست. دولت نظارت و ضمانت نکرده. فقط يك شایعاتی است و اگر ما بخواهیم با امضاء و اعتبار اشخاص پول قرض بدهیم بانك گرفتار میشود. يك شخصی میآید و میخواهد پنجاه هزار تومان قرض کند اگر بانك استنکاف کند به اعتبار و شرف او برمیخورد و شروع میکند وزیر را دیدن. رئیس الوزراء را دیدن که بانك باعتبار من لطمه زده من میخواستم سی هزار تومان قرض کنم بانك نداد. بانك هم مسال خودمان است. تحت تأثیر واقع میشود و نتایج خوبی در آینده نخواهد داشت. بنده با این قسم معاملات بانك يك دفعه دیگر هم عرض کرده ام حالا هم عرض میکنم مخالفم و بهترین نمونه که به ما این تجربه را ثابت می کند معاملات بانك استقراضی روس بود که بهمین طرز معاملات شروع کرد و در نتیجه خیلی خسارت برد و يك مشت املاک در دستش ماند آنها هم مرافعه دار. هیچ فایده هم از آنها نمی برد و ما اگر بخواهیم این قبود را ملاحظه کنیم گرفتار همین تجربه ناخوشی میشویم که آن مؤسسه شد.

خبیر -- چون مذاکرات مابین قسمتهای اول این لایحه و این مواد خیلی طول کشیده است گمان میکنم يك قسمت از مذاکرات سابق از خاطر آقایان فراموش شده باشد. ماده اول این لایحه این بود که برای کمک به تجارت و زراعت و صناعت يك بانگی موسوم به بانك ملی ایران تأسیس میشود. برای کمک به تجارت و زراعت و صناعت از چه راهی باید داخل شد؟ يك قسمت آن چیزهایی است که لایحه علیحده در کمیسیون فواید عامه تهیه کرده اند و از آن راه میشود ولی يك قسمت کمک هائی است که مستقیماً با صاحبان کارخانه یا ملاکین و ارباب صنایع بشود یعنی دولت کمک نقدي به آنها بکند برای اینکه بتوانند کارهای خودشانرا ترتیب بدهند یا کمکي به عمل فلاحت بکنند. بانك يك تجارتخانه است که حقاً میبایستی با امضاء پول بدهد و این را باید عرض کنم: اینکه نوشته شده است (با امضاء) یا امضاء نیست (با امضاء) است (بوسیله اموال معتبره اعم از منقول و یا غیر منقول و یا امضاء اشخاص) نه این است که هم امضاء اشخاص معتبر باشد و هم بوسیله اموال منقول و غیر منقول، البته اگر امروز دولت بخواهد کمک کند با يك اشخاصی باید اطمینان پیدا کند که این وجه از این نخواهد رفت. وسیله تأمین وجه چیست؟ یکی داشتن وثیقه است اعم از منقول و غیر منقول و یکی هم اطمینان و اعتبار اشخاص است و اساساً معاملات بانك بایستی با اعتبار اشخاص باشد اما اطمینان پیدا کردن به اینکه این شخص معتبر است یا نیست و آیا وثایق او قابل اطمینان است یا نه این مربوط به مذاکره ما نیست مربوط به عمل بانك است. بالاخره آن مسؤل بانك و آهائی که مسؤل اجرای این قانون هستند آنها باید بدانند به چه ترتیب اطمینان حاصل کنند در پیشرفت عمل استقراض و اگر ما بخواهیم تمام این جزئیات را اینجا پیش بینی کنیم باید يك کتاب مفصلی تهیه کنیم اگر

بگوئیم غیر از اموال منقول یا غیر منقول را قبول نکنند پس به چه ترتیب میتوانیم بنام اشخاص کمک کنیم بعلاوه ما يك پیش بینی کرده ایم که تمام سرمایه بانك آزاد نباشد. حداعلای وجهی که میتواند قرض بدهد باید يك ثلث سرمایه موجودی بانك باشد. اگر آقایان دقت بفرمایند تمام این صحبت ها بطور مفصل در اینجا شده و بنده خواستم تذکر بدهم اگر در چندماه قبل که این لایحه مطرح بود دقت کرده بودیم و اینرا گذرانده بودیم کمک فوق العاده بوضع تجارت و وضعیت فعلی بازار کرده بودیم و تصدیق بفرمائید تمام این مذاکرات جز تأخیر افتادن این لایحه و لطمه خوردن باوضاع تجارت چیز دیگری نیست. وضعیت فعلی ما بواسطه نبودن پول است در جریان و البته اگر ما سعی کنیم که این بانك زودتر تأسیس شود و دولت و ما هم نظارت کنیم و در ضمن عمل اگر به معایب برخوردیم رفع کنیم البته بهتر است.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- رأی گرفته میشود به ماده پنجم ...

آقا سید یعقوب -- بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس -- به ماده شش رأی گرفته شده است.

آقا سید یعقوب -- بنده اینجا حذف ماده را عقیده

دارم

رئیس -- باین عبارت نمی شود رأی گرفت.

آقا سید یعقوب -- حذفش را پیشنهاد میکنم.

رئیس -- پیشنهاد بفرمائید.

(پیشنهاد ایشان تقدیم و بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجم حذف شود.

رئیس -- بفرمائید. راجع به حذف.

آقا سید یعقوب -- بنده توجه میدهم نظر آقایان

را به این نظری که پیدا کرده ام و آن این است که ما

بانك استقراضی تشکیل نمیدهیم. ماده اول این لایحه

آن نظر انتفاعی ما در آن نامین شده است. بنده هیچ نظر ندارم که این ماده در اینجا نوشته شود. نظامنامه بانگ را وزارت مالیه یا بانگ مجبور است تهیه کند و آن ملاحظه را که ما در ماده اول کرده بودیم برای ترقی فلاح و زراعت و تجارت و صناعت همان ماده آن نظر را نامین میکند. تصدیق میفرمائید که ما بانگ استقراضی درست نمیکنیم که يك ماده مستقلى در اینجا ذکر کنیم و بگوئیم ضامن معتبر و همان فرمایشات آقای بامداد و دیگران که اظهار کردند کاملاً صحیح است زیرا بانگ گرفتار میشود در يك جریانی که هیچ نمیتواند کارش را بیش ببرد. اگر ما این ماده را بکلی در این قانون ذکر نکنیم همان ماده اول با نظامنامه که نوشته میشود برای اجرا کفایت میکند و این پیشنهاد را از این نقطه نظر کرده.

مخبر - ماده اول کافی نیست بجهت اینکه در آنجا نوشته شده است بدولت اجازه داده میشود که برای پیشرفت امور زراعت و صناعت و تجارت بانگی موسوم به بانگ ملی ایران تاسیس کنند این چطور معلوم میکنند که خود دولت باید این کار را بکند یا اینکه کمک باشخاص و مؤسسات بکند که آنها اینکار را بکنند؟ از این ماده تنها بیشتر این مطلب بیرون میآید که خود دولت باید این کار را بکند در صورتیکه ما میخواهیم دولت کمک بکند باشخاص و آنها داخل در عمل بشوند. و این فکر را باید اصلاً از جامعه بیرون کنیم که تمام کارها را منتظرند دولت بکنند. و باید مردم را وادار کرد که خود آنها کار بکنند رئیس - در موقع رأی قطعی تکلیف این پیشنهاد معلوم میشود. پیشنهاد آقای کازرونی

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵ بترتیب ذیل تنظیم شود بانگ مجاز است ودایع نقدی و مدت دار و جاری قبول کند و باسئلهای مواردیکه در ماده ۶ ممنوع گشته پول

فعلی را عرض میکنم، بروید سؤال کنید ببینید تجربیاتی که دارند از چه قرار است. بنده اینجا پیشنهاد کردم که برای تسهیل امر و برای اینکه آن مقصودی که در نظر دارند که امر زراعت بواسطه گرفتن قرض پیشرفت کند اموال غیر منقول را بعنوان رهن یا بیع شرط یا سایر عقود مشروعه یعنی عناوینی که قانوناً مشروع باشد بگیرند. و البته آن اموال را که میگیرند یا آن ملک را که مأخوذ میدارند بایستی يك ثلث قیمت علاوه بر آن مبلغی نباشد که قرض میدهند، این محل تردید نیست و الا ملک خریده اند آن اموال هم مالکیتش برای صاحب مال قانوناً مسلم باشد یعنی اگر ملک است مالکش رفته باشد در اداره ثبت اسناد ثبت کرده باشد و سند از اداره ثبت اسناد داشته باشد نه اینکه فردا مستحقاً للغير بیرون بیاید. آنوقت بیرون بیایم باین مسائل که بنده معتقد نیستم. (باز هم توضیح میدهم) که اموال منقول را بعنوان رهن و وثیقه بگیرند این مستلزم يك چیزهایی است که اظهارش بالاخره خوب نیست و با مقصودی که آقایان دارند منافی است باین معنی که شما میخواهید کمک زراعت و فلاحی بکنید که ملکی دارد و میخواهد پولی بگیرد زراعت بکنند همان ملکش را بعنوان بیع شرط یا وثیقه بگذارد پیش بانگ و پولی بگیرد برود زراعتش را راه ببندد. شما میخواهید چه چیزها را گرو بردارید؟ این بانگ برای آنها نیست این بود عرض بنده.

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی نداشتم.

رئیس - آقای مخبر چه میفرمایند؟

مخبر - بسته بنظر مجلس است.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن

پیشنهاد آقای کازرونی آقابانیکه قابل توجه میدانند قیام

فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ۲ را بماده پنج پیشنهاد میباید.

بانگ در هر يك از شعبات خود (اعم از مرکز و ولایات) دایره مخصوصی باسم دایره یا شعبه فلاح برای مساعدت و قرض دادن به زارعین خواهد داشت که شعبه مزبوره نامیزان معین که (نظامنامه بانگ تعیین خواهد کرد) در مقابل ضمانت مالکین یا وثیقه و اعتبارات دیگری که تحصیل خواهند کرد زارعین قرض خواهد داد. رئیس - آقای عدل.

عدل - عرض می شود چیزی که در نظر بنده خیلی اهمیت دارد مسئله مساعدت زارعین است سابق معمول بوده مالکین قوه داشتند از زارعین نگاهداری میکردند پول قرض میدادند آنها کمک میکردند اخیراً که مملکت دچار فقر شده است مالک نمیتواند از زارع نگاهداری کند بعلاوه بواسطه این آقایان که اخیراً واقع شده است انواع و اقسام که از جمله اخیراً مسئله کاه مبری است زارع بکلی از پا افتاده است و مهاجرت میکنند بیرون. باین است که مؤسسات خارجی که در سرحداث داخل میشوند يك کمک هائی بزراعین میکنند و محصول آنها را مساعدت خریداری میکنند. این مسئله هم از حیث سیاست مضر است و هم باین وسیله نفوس کم میشود و ضررش بقدری است که محتاج شرح نیست. بنده عقیده ام این است که بهر وسیله که ممکن است امروز دولت باید از زارع نگاهداری کند که اقلاً جلو مهاجرت آنها گرفته شود حالا مضار دیگری را که از حیث سیاست دارد عرض نمیکنم. ضمناً هم تصدیق میکنم که بانگ نمیتواند به همه زارعین تك تك کمک بکند این است که پیشنهاد می کنم در هر ولایت بانگ يك شعبه مخصوصی داشته باشد که آن شعبه اسامی زارعین را ثبت کند و در موقع بضات مالکین یا اشخاص دیگر مطابق نظامنامه که نوشته خواهد

شد بزارعین کمک کند برای اینکه جلو مهاجرت آنها گرفته شود

مخبر - خلاصه عرض میکنم که برای نامین نظر آقای عدل بانک فلاحی لازم است و شرایط و تاسیساتش هم چیز دیگری است ولی این بانک برای این است که تا حدیکه لازم است کمک بملک و زراعت و فلاحت بکند نه مثل بانک فلاحی. این است که امیدوارم لایحه دیگری پیشنهاد بشود که منظور آقا هم بعمل بیاید.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای عدل آقایان موافقین قیام فرمایند.
(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شیروانی.
(بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میشود قبل از جمله (پول قرض بدهد) نگاشته شود:

برای پیشرفت تجارت و فلاحت و صناعت.
مخبر - این جمله چون عین مقصود از تاسیس بانک است ضرر ندارد تصویب شود قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی
(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده بعنوان تبصره پیشنهاد میکنم که اضافه شود: که صاحب مال حق دارد قبل از انقضاء مدت مقرره اسبابهای او را که در بانک گذاشته تقاضای حراج آن را بنماید و بانک هم مکلف است قبول نماید.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود از آنجائیکه همه میدانیم فرضاً امروز آمدیم اسباب و دارائی داشتیم و در بانک گذاشتیم. زراعتمان سوخت و چیز دیگری نداریم که گرو بگذاریم و پول بگیریم. لابد میشود که همین اسبابها را بفروش برسانیم و بقیه پولش را هرچه میشود بمصرف برسانیم. اگر بگذاریم در بانک بماند تا انقضای

مدت اسباب زحمت است، به این ملاحظه پیشنهاد کردم که قبل از انقضای مدت صاحب مال اگر خواست اسبابش را بفروش برساند بانک مکلف باشد قبول کند و اسباب او را حراج کند.

بعضی از نمایندگان - پس بگیرید راجع به نظامنامه است.

مخبر - (خطاب با آقای فیروز آبادی) پس میگیرید یا خیر؟

فیروز آبادی - اگر قبول بفرمائید پس میگیرم والا پس نمیگیرم.

مخبر - تبصره و موادی که راجع به نظامنامه است در ماده یازدهم ذکر شده و در نظامنامه نوشته میشود و این مسائل همه در آنجا منظور خواهد شد.

فیروز آبادی - عجالتاً مسکوت بماند

رئیس - در واقع در اینموقع پس میگیرید. پیشنهاد آقای مدرس.
(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از لفظ شخصی نوشته شود: معتبر و یا ضمانت شخص یا اشخاصیکه الی آخر

رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود بنده با ماده موافقم لیکن گمان میکنم که يك اجمالی دارد و آن اجمال باین پیشنهاد بنده رفع میشود. مقصود این است که بانک را ما در این مملکت تاسیس میکنیم که آدمهای ما ایم. بکنفر میآید قرض میخواهد نه ملک دارد و نه مال دارد اما معتبر است، این معتبر بودن شخص خودش يك عنوانی است که بعضی اشخاص معتبرند یعنی مال مردم را که میگیرند پس میدهند. این را میگویند معتبر. شما می گوئید باین شخص نباید داد. باید تصریح بکنید. من عقیده ام این است که باید داد. و با اینکه خیر خودش اعتبار ندارد ملک ندارد، پول ندارد، اما شخص معتبر ضمانت او را میکند. من اعتقادم این است که باو هم باید پول قرض

رئیس - در موقع رأی قضی تکلیف پیشنهاد آقای مدرس معلوم میشود، پیشنهاد آقای دبیر.
(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره بترتیب ذیل تنظیم شود: کلیه قروض مزبوره نباید از ثلث سرمایه بانک تجاوز نماید.

رئیس - آقای دبیر

طباطبائی دبیر - این جا نوشته میشود: کلیه قروضی (که به اعتبار اموال داده میشود) اولاً این جمله شامل قروضی که به اعتبار امضاء اشخاص یا مؤسسات داده میشود نیست و ثانیاً مفهومش هم این است که ممکن است يك روزی باشد که به اعتبار اموال قرض داده نشود. این است که بنده این پیشنهاد را کرده تا اینکه از این جا جلوگیری بشود

مخبر - ضرر ندارد این را صلاح کنید که کلیه قروضی که داده میشود از يك ثلث سرمایه بانک تجاوز نکند.

رئیس - چگونه فرمودید آقا. چگونه اصلاح شود؟
مخبر - کلیه قروض که بترتیب فوق داده میشود نباید از ثلث سرمایه بانک تجاوز کنند.

رئیس - پیشنهاد آقای امامی.
(به این نحو خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را برای ماده پنجم و ششم پیشنهاد میکنم:

تبصره - وجهی که در مقابل ودایع به اشخاص داده میشود از دوثلث قیمتة ودیعه تجاوز نخواهد کرد.
رئیس - آقای امامی

میرزا جوادخان (امامی) - بنده توضیح زبیدی ندارم تصور میکنم اگر در خود ماده این پیش بینی بشود بهتر است و ممکن است در نظامنامه نتوانند اینرا همین کنند آنوقت يك اشکالاتی تولید شود.

داد. پس بایند اموال منقول یا غیر منقول رهن بگذارند یا خودش معتبر باشد، یا شخص معتبری ضمانت بشود یا مؤسسه ضمانت بشود و باو پول بدهند. اگر مراد ماده این است که این عبارت قاصر است. اگر مراد ماده مطلب دیگری است که بفرمایند. بنده اینطور عرض کرده که قروض مزبوره بوسیله اموال معتبر. (البته اموال معتبر معنائش معلوم است مالی است که بیول بخورد و قیمت داشته باشد اعم از منقول یا غیر منقول) و یا امضاء شخص معتبر (یعنی شخصی که قرض میکند خودش امضاء بکند و معتبر باشد) و یا اینکه شخص معتبری از او ضمانت کند که اعتبار آنها نزد بانک مسلم باشد و مؤسسات معتبره تضمین کرده باشند. اگر مراد این است که عبارت قاصر است. اگر مراد چیز دیگری است پس خوبست آقای مخبر بیان کنند که من پیشنهاد خود را پس بگیرم

مخبر - مراد از این اشخاصیکه در اینجا نوشته شده ضمانت آنها است.

مدرس - ضمانت ندارد، عبارت تضمین دارد و تضمین مال همه است.

مخبر - حالا منافات ندارد ممکن است لفظ ضمانت هم نوشته شود، لیکن شخص معتبر که خودش قرض میخواهد تنها ضمانت خودش کافی نیست اگر بنده باشد به امضای شخص و بدون وثیقه پول بدهند يك ضامن دیگر هم لازم است همینطور که در بعضی بانک ها معمول است که دو نفر ضمانت میکنند یا بگنفر ضامن گیرنده وجه میشود در صورتیکه ممکن است خود آن گیرنده وجه در مواقع دیگر ضامن دیگران بشود ولی وقتی که خودش میخواهد قرض کند باید دیگری را ضامن بدهد. مقصود هم همین است.

مدرس - پس لفظ ضمانت را میخواهد. ضمانت شخصی

مخبر - بجای امضاء نوشته میشود ضمانت شخصی یا اشخاص دیگر.

مدرس - بله ضمانت شخص یا اشخاص دیگر.

این جهت این پیشنهاد را کرده .
 مخبر - يك مرتبه ديگر قرائت شود .
 (بشرح سابق خوانده شد)
 مخبر - استدعا ميكنم آقاين اين جزئيات را بری
 نظامنامه بگذارند .
 رئیس - آقاينايکه اين پيشنهاد را قابل توجه ميدانند
 قيام فرمايند .

(چند نفری برخاستند)

رئيس - قابل توجه نشد . پيشنهاد آقای طاهري
 (مضمون ذيل قرائت شد)
 پيشنهاد ميکنم آخر ماده علاوه شود :
 و نیز بانگ مجاز است بر طبق قانون تجارت به صرافي
 اشتغال نماید .
 رئیس آقای طاهري

دکتر طاهري - تأسيس بانک يك قسمت مهمش برای
 توسعه تجارت و بانک قسمتش هم برای فلاح و صناعت
 است ولی کم کم آن نظر اصلي در تنظيم مواد از بين
 رفت و اين ماده که وظیفه بانک را معين ميکنند اين بانک را يك بانک
 استقراري معرفي ميکنند اين است که بنده پيشنهاد کردم
 که اين وظیفه مهم را هم تذکر بدهيم که بانک مجاز است
 بر طبق قانون تجارت به صرافي هم اشتغال داشته باشد
 و تصور ميکنم مانعی هم برای قبولش نباشد زیرا نظر
 اصلي تقريباً همین است .

مخبر - اصل تأسيس بانک برای عمل صرافي است
 چنانکه در ماده اول که هم ذکر شده تجارت مقصود
 صرافي است و وظائفی که در اين ماده نوشته شده
 فوق العاده استثنائي است و الا وظیفه اصلي بانک همان
 صرافي است . حالا اگر ما بخواهيم قيد کنيم صرافي
 که معلوم می شود که اين يك چیز فوق العاده است
 در صورتی که عمل قرض دادن به وسیله اموال
 منقوله و غیر منقول و غیر اينها يك عمل فرعی است

برای بانک .

رئيس - رأی می گیريم آقاينايکه اين پيشنهاد را قابل
 توجه ميدانند قيام فرمايند .
 (عده قليلی برخاستند)

رئيس - قابل توجه نشد . منظور آقای احتشام زاده
 ز اين پيشنهاد گویا همین شد .
 احتشام زاده - بلی .

رئيس - پيشنهاد آقای کازرونی

(بشرح ذيل خوانده شد)

بنده پيشنهاد ميکنم که جمله های از (و يا امضای شخص
 های معتبره) از ماده ۵ حذف شود .
 رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده پيشنهاد کرده که اعم از منقول و غیر
 منقول و يا امضاء شخص و يا اشخاصی که اعتبارشان نزد
 بانک مسلم باشد و يا مؤسسات معتبره تضمين گردد بنده
 نامؤسسات معتبره اش را پيشنهاد کردم حذف شود مقصود
 بنده اين است که آقاين بيشتر اعتمادی که دارند به کلمه
 معتبره است . مثلاً يکنفر شخص معتبري مثل ارباب جمشيد
 و يا مؤسسات معتبره مثل کپانيها و صرافي ها که در بازار
 بوده است و معتبر است مثل بعضی تجار که معتبرند يا
 يکنفر که فرض بفرمائيد در خارج معروف است که آدم
 صحيح العملی است و بنا بر اين معتبر است . اگر اين منظور
 است

آقا سيد يعقوب - بلی

کازرونی - پس بنده مخالف با اين هستم . زیرا يك
 نفر مثل ارباب جمشيد آن اعتباری که برای جناب عالی
 دارد ممکن است بواسطه يك حوادثی آن اعتبارش از
 بين برود

مدرس - خود بانک هم ممکن است از بين برود
 کازرونی - اصل معنای معتبر اين است که پول داشته
 باشد . در مسئله تجارت (فلان کس معتبر است) يعنی

پول دارد في اعتبار است يعنی پول ندارد يك کسی صحيح
 العمل است عاقل است ، فاضل است راستگو است
 اما پول ندارد اين معتبر نيست . اما يك کسی ديگر
 هست که تمام صفات ذيله را دارد ولی پول دارد .
 معتبر است . کاری بصفات ديگر ندارند . اينرا ميگويند
 يك آدم معتبري است . در اين جا فقط و فقط مدرک
 و منط داشتن پول است . در هر صورت به آقاين
 عرض ميکنم اگر بنده شما اجازه داديد به اين وسيله
 که برود از روی نظريه خودش به شخص يا اشخاص
 يا مؤسسات پول بدهد و آنوقت نظريت خودن را
 بطور قهقرا برگردانيد و قضايای گذشته را مثل برق
 از نظر بگذرانيد آنوقت می بينيد اگر معلومات و نتیجه
 تجربياتی که داريم ، لاخره سرمايه بن بانک از بين
 خواهد رفت . اگر خيال ميکنيد عده ها بهتر خواهد شد هر وقت
 وضعيات بهتر شده مقتضای اوضاع آروز قانون بديوضع کرد .
 شد امروز قانون برای امروز بديوضع کنيد و خیلی
 بنده متاسفم که ما قانون کس مينويسيم هيچ ملاحظه
 نمی کنيم به بينيم ديگران در عمل چه کار کرده اند
 بنده نوي بانک کتبی با يك روزنامه خواندم که ترتيبات
 بانک چطور است . يا فلان بانک بانک معتبري است
 بنده نمیتوانم قانون برای بانک بنويسم . در هر صورت
 عقیده بنده اين است که اگر اين عبارت حذف نشود و قعاً
 اسباب اختلال است .

رئيس - عقیده آقای مخبر نسبت به اين پيشنهاد چیست ؟

مخبر - بنده که نمیتوانم قبول کنم ايشان ميگويند
 که چون يك تجاری ورشکست شده بايد لفظ اعتبار را
 برداريم و قبلاً ورشکستگی همه را اعلان کنيم . اين
 خوب نيست . ورشکست شدن تجار در همه دنيا برای
 اشخاص معتبر هم فراهم می شود . اينرا ما نمیتوانيم سند
 قرار دهيم و در يك لايحه بنويسيم . علی اي حال منوط
 به رأی مجلس است .

رئيس - آقاينايکه پيشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه

ميدانند قيام فرمايند .
 (چند نفری قيام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پيشنهاد آقای امير اسدالله خن
 (بشرح ذيل قرائت شد)
 تبصره ذيل را پيشنهاد ميکنم :

که در تأسيس شعبات بانگی در ولايت به شهرهای
 صنعتی يك مبلغ عليه حده و جداگانه اعتبار داده شود
 که مخصوص صنعتگران بوده و بوسیله قرضه بتوانند صنايع
 خود را ترويج نمايند

رئيس - آقای امير اسدالله خن

امير اسدالله خن (عامری) - در شهر های صنعتی
 غالباً دهنده می شود که اشخاص سرمايه دار استفاده
 ميکنند از کارگران بي بضاعت و آنطوریکه بستی حقوق
 آنها را نکنند نمی کنند . من جمله در کاشان و تصور
 ميشود که کاشان يك شهري است که صنعتگرانش می
 توانند از دست رنج خودشان استفاده کنند در صورتیکه
 اينطور نيست . اشخاص سرمايه داری کاملاً استفاده از دست
 رنج آنها ميکنند و اين بچاره ها پريشان و بد بخت هستند
 به اين جهت بنده پيشنهاد کردم يك مبلغی به صنعتگران
 اختصاص داده شود که آنها بتوانند از دست رنج خودشان
 استفاده کنند و بيشتر از اين معسر نباشند .

رئيس - آقای زوار که عضو کمیسیون هستند ؟

زوار - خير

رئيس - آقای مخبر ؟

مخبر - بسته برای مجلس است

رئيس - رأی ميگیريم آقاينايکه اين پيشنهاد را قابل

توجه ميدانند قيام فرمايند

(معدودی قيام نمودند)

رئيس - قابل توجه نشد . پيشنهاد آقای بامداد

(بشرح ذيل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم از جمله غیر منقول تا تضمین گردد از ماده پنجم حذف شود

شیروانی - این پیشنهاد رد شد

رئیس - این عین پیشنهاد آقای کازرونی است . ماده پنجم قرائت میشود با اصلاحاتی که آقای مخبر قبول کردند و رأی میگیریم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و با استثنای مواردی که در ماده ۶ منوع گشته برای پیشرفت تجارت و فلاح و صناعت پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول یا غیر منقول و یا ضمانت شخصی یا اشخاص که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره تضمین گردد . شرایط قبول ودیعه یا رهن دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد .

مخبر - یا رهن و دادن

تبصره - کلیه قروضی که بترتیب فوق داده میشود نباید از ثبات سرمایه موجوده بانک تجاوز نماید .

رئیس - در سطر پنجم قبل از دادن وجه يك (واو) میخواهد . رأی میگیریم به این ماده بترتیبی که قرائت شد . آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۸

(بشرح ذیل خوانده)

ماده ۸ - رئیس بانک هر شاهه يك مرتبه خلاصه عملیات و وضعیات بانک را به وزارت مالیه راپرت میدهد و در آخر هر سال خلاصه حساب (بیلان) آنرا منتشر می نماید علاوه يك نفر مفتش بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء برای نظارت در جریان امور و معاملات بانک معین میشود .

تبصره - وظایف مفتش بموجب تصویب نامه هیئت وزراء معلوم خواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده متاسفم از اینکه نمیدانم چه اصراری دارند که حتماً گفته فرمائید باشد . در این جامینویسید خلاصه حساب بعد در برابر آن مینویسد (بیلان) ما این را برای ایرانی ها می نویسیم . اگر يك آکادمی در کمیسیون تشکیل شده است . آن يك نظر دیگری است . ولی این را بنده مخالفم و مخالفت لفظی هم هست و لابد آقای مخبر هم قبول میکنند اما در مسئله مفتش : این جا در ماده هست که ما يك متخصصی برای بانک میاوریم دیگر وقتی که متخصص آمد بانک را اداره میکنند . عمل اجرائیات که با ما نیست که ما این جا در قانون قید کرده ایم که يك مفتشی بنظر وزارت مالیه تعیین شود بنده این را نفهمیدم چرا نوشته اند بجهت اینکه این عمل اجرائی است و عمل اجرائی بدست ما نیست . وضع قانون بدست ما است ، ما قانون بجهت تأسیس بانک مینویسیم و بعد هم متخصص برایش معین کردیم که خود متخصص مامور اداره بانک است و اداره بانک را هم مرتب میکند . در قسمت مفتش غرضم این بود که بنده هر چه فکر میکنم که يك ماده مخصوصی که يك مفتش از مالیه برای بانک معین شود فلسفه اش را نفهمیدم این است که بنده تقاضا میکنم آقای مخبر این را توضیح بدهند که علت تعیین کردن مفتش در ماده قانون چیست ؟ و بیلان هم زیادی است

مخبر - اولاً لفظ بیلان که ملاحظه میفرمائید لفظی است که فارسی ندارد خلاصه حساب . خلاصه عمل هیچکدام را نمیرساند و آقایانی که مربوط هستند البته می فهمند چه عرض میکنم این است که آنچه ما لفظ بیلان را بنویسیم که معلوم شود مقصود چیست . شما شاید بگوئید عملیاتی که کرده اند و بده و ستانها را بنویسند ولی بیلان آن نیست بیلان این است که در يك صفحه کوچکی تمام معاملات بانک را بطور کلی معین

کازرونی - بله

رئیس - بفرمائید

کازرونی - بنده راستی تا توضیح نداده بودند گمان میکردم که بیلان بیلان است که در ترکی بمعنای مار است آقای مخبر هم که توضیح دادند بنده نفهمیدم مقصود چیست و بالاخره منظور اگر خلاصه جمع و خرج و موازنه است هر چه هست ممکن بود خودشان يك گفته را ایجاد کنند و توضیح بدهند که چیست ؟ اگر بگوئیم بانک باید بفهمد که بتکلیف خودش عمل کند لازم نیست این که را بنویسیم و در هر صورت برای من بعد خوب است بکفایتی احتیاط کنیم و يك چیز های زائدی را ننویسیم . دیگر راجع به مفتشی است . مفتشی که تعیین می شود البته نظیر مفتش است که برای نفت جنوب معین کردیم یا مفتشی که برای مالیه معین میکنیم که میروند بولایت یا نظیر مفتشی است که برای انتخابات معین میکنیم و بالاخره مفتش هم بکنفر آید است و تفهیم و تدقیق در امور بانکی قائم بوجود بکنفر بودن را بنده صلاح نمیدانم بانک باید يك هیئت داشته باشد که همیشه اوقات منظمآ آنها جلساتی داشته اند رسیدگی بوضعیات بانک بکنند و هر عملیاتی که این بانک میکند تحت نظارت این هیئت باشد و بنظر این هیئت اداره شود نه اینکه تفهیم امر بانک منحصر و منوط بوجود بکنفر آید باشد که رسماً حکمش صادر میشود و الا مثل سایر امور بکنفر تجرید دادیم ممکن است که بالاخره نظارت او نتیجه نداشته باشد

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - خلاصه فرمایشات نماینده محترم این بود که مفتش را باید طوری انتخاب کرد و وظایفی برای او معین کرد که فایده از وجودش ببرند و اساساً گمان نمیکم با مفتش مخالفتی داشته باشند . بنده هم حقیقهً با ایشان در يك مثلی که زدند موافق هستم که مثلاً ما مفتش که برای نفت جنوب معین میکنیم باید يك

کند که لان بانک در چه حالی است . در چه وضعیتی است . از حیث دیون یا از حیث طلب . اما راجع به مفتش که فرمودند : کلیه مؤسسات بانک تجارقی باید تحت نظارت و تفهیم دولت باشد اعم از تجارخانه یا بانک های عمومی که بترتیب شرکت ها معین میشود و یا بانک های دولتی . دولت باید در آنها نظارت بکند ما الان که بانک تأسیس میکنیم درست است که بکنفر رئیس خارجی برایش معین میکنیم اما نظرم این است که يك بانک ایرانی درست کنیم ما باید تمام شرایط تفهیم و نظارت دولت را هم در آنجا پیش بینی کنیم بکنفر مفتش کافی نخواهد بود بلکه باید يك هیئت تفهیم از طرف دولت باشد که مواظب جریان عملیات بانک باشد . بانک بکنفر و وجهی دارد که از طرف دولت آنجا گذاشته شده است و يك وجهی هم از طرف اشخاص و مرده گذاشته میشود و داخل در يك معاملات در هم و زیادی خواهد بود که البته دولت باید آنها را بداند و مطلع باشد که چه قانونی و صولی رعایت میکند . دولت باید از جریان امور بانک مستحضر باشد اعم از اینکه رئیس بانک خارجی باشد یا داخلی به هیئت مدیره داشته باشد یا بکنفر رئیس داشته باشد . مفتش باید از طرف دولت معین شود . وزارت مالیه پیشنهاد میکنند هیئت وزراء هم قبول میکنند و البته این مفتش هم درجه عالی خواهد داشت و باید حق این را داشته باشد که همیشه بتواند دفاتر و معاملات بانک را دقت کند و بدولت اطلاع بدهد یا اگر از جریان قانونی منحرف شوند بتواند عمل بانک را توقیف کند پس يك مفتش عالی مقامی برای این مؤسسه عالی لازم است اگر عملیات سایر بانک ها مراجعه کنید می بینید که يك مفتشی در آنجا هست که در مواقع لازمه عملیات بانک را هم میتواند متوقف کند تا رسیدگی نماید

رئیس - آقای کازرونی مخالفید ؟

وظایفی را برای او معین کنیم و يك تكالیفی را هم از او بخواهیم و يك را بر نهائی را هم همینطور بیکه در این ماده ذکر کرده ایم در هر چند هفته یکمرتبه راپرتی از وضعیت نفت آنجا بدهد و حالا وظیفه خودش را انجام میدهد یا دولت وظیفه معین نکرده این دلیل نیست که ما برای بانک هم مفتش معین نکنیم و این ماده در حقیقت در مجلس پیشنهاد شد دولت هم پیشنهاد نکرده بود آقایان نمایندگان این پیشنهاد را کردند و برای این بود که هر چند مدت یکمرتبه مردم از وضعیت بانک تا آن حدودی که صلاح است یعنی تا حدود بیلان مسبوق شوند و ما در ضمن رسیدگی بدوسیة شنیدر گرویزو دیدیم يك معامله را که با يك دولتی کرده آن معامله را بطور مجله طبع و توزیع کرده و این انتشار صورت وضعیت بانک نه تنها از نظر اصلاح مجلس و سایر علاقه مندان بانک نافع است بلکه حکم يك تبلیغی را در رد بری وضعیت بانک اگر در آخر هر سال بانک بتواند بیلان خودش را منتشر کند و نشان بدهد برده که بانک چه پیشرفتهائی حاصل کرده این بهترین تبلیغات است برای بانک . مفتش را هم البته اگر همانطور که فرمودند مقصود این باشد که بکنفر شخص را کاری بهش داده باشند هیچکس موافق نیست ولی منتشر که بموجب تصدبقنامه هیئت وزراء وظایفی داشته باشد و از او مسؤلیت بخواهند و همیشه مراقب جریان وضعیت بانک باشد عقیده بنده بهترین ماده که در این لایحه است همین ماده است که مربوط بمفتش و انتشار صورت حساب است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقای نظامی پیشنهاد کرده اند بیلان حذف شود . بفرمائید

نظامی - عرض کنم بنده وقتی کلمه بیلان را خواندم از بعضی آقایان هم سؤال کردم دیدم واقعا آنها هم نمیدانند فقط آقای دکتر طاهری دو سه جور تعبیر کردند گاهی فرمودند مفاصا حساب گاهی فرمودند . تطبیق جمع و

خرج بکدفعه هم فرمودند در بانکها این کلمه معمول است . بنده نمیدانم چه چیز ایجاد کرده است که يك کلماتی که در خارجه معمول است ما در کارهای خودمان داخل کنیم و از همین رویه ما می بینیم که زبان فارسی ما مخلوط شده است . با تمام زبانهای عالم ، ما مفاصا حساب داریم این بیلان هم همان خلاصه حساب است و بنده گمان میکنم که هر کس هم این را بخواند باید فکر کند که مقصود از بیلان چیست . ؟ بنابر این بنده از آقایان استدعا میکنم این کلماتی که در زبان ما نیست کمتر استعمال کنند

مخبر - اینکه آقای نظامی فرمودند این کلمه را نداشتیم چه لزومی داشت که بنویسیم عرض می کنم بانک هم نداشتیم چه لزومی دارد لغت بانک را بنویسیم ؟ بیلان نه مفاصا حساب است و نه خلاصه حساب . آقای کازرونی که ناچار باشی ما هستند نشنیده اند که این کلمه چیست چه رسد بدگرانی . چون معمول نبوده و حالا که بانک را می نویسیم باید بیلان هم نوشته شود چون مربوط بیبانک است . خلاصه حساب در اصطلاح محاسبان ما عنوان میشود ولی آن چیزی که در بانک بکار میرود بیلان است و آن چیزی که بانک باید چاپ کند بیلان است و آن غیر از صورت حساب و مفاصا حساب است بنا بر این لازم است که این کلمه نوشته شود که معلوم شود مقصود چیست

رئیس - آقایان اینکه پیشنهاد آقای نظامی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای آفاسیدیعقوب

(بنحو ذیل قرائت شد)

ماده ۸ را این نوع پیشنهاد میکنم : رئیس بانک هر شش ماه یکمرتبه خلاصه عملیات و وضعیت بانک را بوزارت مالیه راپورت میدهد و در آخر هر سال خلاصه حساب بانک را برای اطلاع عامه منتشر مینماید

رئیس - بفرمائید

آقای سعید یعقوب - آقای فهیمی يك چیزها و عقایدی را که از روی حس وطنی صحبت میشود از روی مطایبه رد میکنند ؛ میگویند بیلان اگر نداشتیم بانک هم نداشتیم پس بیلان هم مثل بانک است !! هیچ مناسبت دارد؟! بانک را که برای آبادی مملکت است تطبیق میکنند بايك لفظی که هیچ محتاج الیه نیست ! میفرمایند همینطور بیکه ما احتیاج به بانک داریم به بیلان هم داریم که اگر بیلان نباشد نکلی بانک از بین میرود!! این قضاوتش با وجدان و حکومت آقایان است . راجع بعنوان مفتش خود آقای مخبر تصدیق کنند اینجاده که این جا نوشته شده است برای چیست ؟ برای استحضار دولت و عامه مردم از وضعیت بانک است به بدانند بانک در شش ماه چه کرده است نظر باین مسئله آمده اند يك سطری وبعد هم يك حقوقی برای يك مفتش معین کرده اند بنده عرض میکنم این محتاج نیست . مطلب همان چیزی است که آقای شیروانی اشاره کرده اند . بنده چشمم از مفتش آب نمیخورد . این مدت اداره تفتیشی که معین کردیم هیچ نفعی نگرفتیم غیر از ضرر . در وزارتخانهها يك فصل بزرگی بعنوان تفتیش نوشته شده است . بکنفر از اینها تحت سؤال آمده اند که چکار کرده اند ؟ حالا که بودجه وزارتخانهها مطرح نیست تا اینکه عرایض خود را راجع بادرآت تفتیش عرض کنم که این کلمه يك کلمه ایست که در تحت آن چقدر بخزانة مملکت ضرر وارد شده است . مگر اینکه مجلس شورای ملی بدولت يك قانون بيك نظامنامه برای عملیات مفتشین معین کند و حقیقه يك نظارت و اجراییات باشد و الا بمجرد لفظ که ما بگوئیم (مفتش) این يك کلمه غیبی است و باید مؤثر باشد . وزارت معارف ماهی سه هزار تومان بابت اداره تفتیش میگیرد . برورد نگاه کنید و همینطور جاهای دیگر پس چون اداره تفتیش هیچ عمل

نکرده است بنده نظر بآن عقیده که دارم مخالفت میکنم تا اینکه قانون مفتشین نوشته شود . مملکت يك اداره تفتیش کنی میخواهد که وظایف او معین و در تحت يك قانونی باشد و الا به این عبارت ها ما بیائیم از خزانه مملکت پول بدهیم بنده مخالفم و ثابا در این جا ذکر کردن اجراییات همانطور که عرض کرده ، ما نیست اجراییات آن متخصصی است که معین کردیم . تعیین کردن مفتش هم تحت نظامنامه است نه قانون ، در ماده دوازده بیان میکند که این قانون دارای بيك نظامنامه است و اگر محتاج شود که تحت این عنوان يك پولی به مفتش داده شود باید در آنجا ذکر شود نه در متن قانون و بنده کلیه مخالفم

مخبر - و لا در مقایسه لفظ بیلان و بانک که فرمودند بنده عرض کرده که خود لفظ بانک هم خارجی است لفظ فرسی ندارد که ما آنرا موقوف کنیم و اسم دیگر بگذاریم برای بنده يك کلمه جامعی برای او نیست که هم معنی را بدهد همینطور برای بیلان هم لغتی پیدا نشود مگر سه سطر چهار سطر ترجمه بنویسیم یعنی يك فصل زاعده محاسبات را بستی نوشت تا معلوم شود بیلان چیست ولی لفظ بیلان که نوشتیم هر مؤسسه مینهد چیست و انشاء الله آقای کازرونی هم بعد از این خواهند دانست اما راجع به لفظ مفتش ؟ این جا ما نظر آقایان را رعایت کردیم و اگر میخواستیم «کیسر» این اعتراض را نمی فرمودند این همان کیسر است که در تمام بانکها از طرف دولت يك مأمور عالی رتبه باید باشد که همه روزه بداند بانک چه میکند ؛ بروانی که صادر میکند . پولهایی که میدهد پولهایی که میگیرد تمام اینها را باید مفتش همه روزه نظارت کند مفتش برای بانک مثل دیوان محاسبات است برای وزارت مالیه حالا میفرمائید چون آنرا نداریم باید مفتش هم نداشته باشیم؟! مفتش فلان وزارت خانه بوظایف خودش عمل نمیکند نقص آنجا دلیل نمیشود که جاهای دیگر را هم ناقص بگذاریم بلکه باید معایب را

رفع کنیم . مفتش که همین کمیسر عالی بانک است يك مساءوری است که حتمی است و بلکه میخواهم عرض کنم لازم تر از رئیس بانک است اگر کمیسر و مفتش عالی نباشد بانک عملیاتش طرف اطمینان نیست و میبایستی حتما باشد .

رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا . (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از کلمه بیلان بین اهلایلین نوشته شود (خلاصه جمع و خرج)
رئیس -- بفرمائید

محمد ولی میرزا -- برای اینکه این مناقشه انقضی تمام بشود بنده این پیشنهاد را عرض کردم صورت قانونی هم دارد . اگر آقایان مراجعه بفرمایند بقانون تجارت که از کمیسیون گذشته است و مجری است و مخصوصاً خود بنده در آن تاریخ در کمیسیون عضویت داشتم این مسئله مطرح شد و بالاخره مخصوصاً در مقابل بیلان در قانون شرکتها نوشته شده (خلاصه جمع و خرج) همین طور برای کمیسر هم که در اینجا ذکر شده کلمه که واقعاً معنی کمیسر را بدهد و به اسان ما هم باشد معلوم شده از این جهت برای اینکه ایراد آقای کازرونی هم دوا نداشته باشد بنده پیشنهاد کردم در بین اهلایلین نوشته شود (خلاصه جمع و خرج) برای اینکه این اصطلاح قانونی است و در قانون تجارت هم مصطلح است . مسئله بیلان همان خلاصه حساب است .

مخبر -- بنده تصور میکنم این جمله هم باز مقصود بیلانرا نمیرساند اگر باز « موازنه » بنویسند بهتر است ولی اگر همینطور بکلمه نوشته شده بماند بهتر است

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد . دوازده فقره پیشنهاد است اجازه میفرمائید بماند بعد از تنفس جمعی از نمایندگان -- صحیح است (در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله سه ربع ساعت مجددا تشکیل گردید)

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند انتخابات سیرجان مطرح شود .

بعضی از نمایندگان -- صحیح است

شیروانی -- این لایحه هنوز تمام نشده

رئیس -- میدانم پیشنهادی است کرده اند . (خطاب باقای آقا سید یعقوب) بفرمائید .

آقا سید یعقوب -- بنده از مجلس مقدس يك قضاوت عادلانه میخواهم . این مسئله جریان در مجلس واقع شد آقای عمادی پیشنهاد کردند به روز سه شنبه موکول شود ما هم موافقت کردیم که سه شنبه باشد این است که بنده این پیشنهاد را کردم تا مجلس در این موضوع قضاوت خودش را بکند . حالا منوط است بقضاوت عادلانه نمایندگان محترم .

رئیس -- آقای آقا میرزا عبدالحسین موافق هستید ؟
آقا میرزا عبدالحسین -- مخالفم

رئیس -- بفرمائید . راجع باین است که جزو دستور بشود یا نه ؟

(آقای میرزا عبدالحسین در محل نطق حاضر و پس از چند کلمه مذاکره با آقای رئیس به محل خود مراجعت نمودند)

رئیس -- ایشان خیال کردند که راجع باصل موضوع است . آقای زوار

زوار -- البته تصدیق میفرمایند که لایحه بانک خیلی مهم است و هنوز بخر نرسیده چطور آقای آقا سید یعقوب این پیشنهاد را کردند ؟ بنده مخالفم که این موضوع بین نزدیکی را بگذاریم و داخل در يك موضوعی بشویم که هیچ در مجلس هم سابقه ندارد . بنده مخالفم (در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان از مجلس خارج شدند)

رئیس -- معلوم میشود بعد جلسه در ختم کرد . بعضی از نمایندگان -- صحیح است

شیروانی -- بنده مخالفم و ختم جلسه .
رئیس -- بفرمائید

شیروانی -- بنده استدعا میکنم آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد خودشان را پس بگیرند برای اینکه لایحه بانک بگذرد پس فرد ترتیبی در این موضوع داده شود برای اینکه يك لایحه بین مهمی بواسطه يك موضوع شخصی عقب نیفتد .

آقا سید یعقوب -- اجازه میفرمائید ؟ نظر بمسئله است و موافقتی که بنده در سیاست با آقای شیروانی دارم این مسئله را قبول میکنم که جزء دستور در اول جلسه روز پنجشنبه شود . با نظرات ایشان موافقم بگوئید آقایان تشریف بیورید . انتخابات غیر از سید نوعان گرفتن است ؟

(در این موقع عده از آقایان نمایندگان از خارج وارد شدند)

رئیس -- پیشنهاد هائی که راجع بهادهشت رسیده است قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می نمایم -- عوض جمله و در آخر هر سال نوشته شود : و در فروردین ماه هر سال خلاصه حساب (بیلان) سال سابق را منتشر می نماید . دیبا
رئیس -- بفرمائید .
دیبا -- اینجا مینویسد آخر سال و این مجهول است

معلوم نیست روز آخر سال است ؟ ساعت آخر سال است ؟ و این عملی نیست باید تمام شود آنوقت حساب را بدهند این است که بنده پیشنهاد کرده در فروردین ماه هر سال صورت حساب را منتشر کنند یعنی حساب سال سابق را مخبر -- این صحیح است همچنین قبول میکنم که در فروردین هر سال بیلان سال قبل را منتشر کنند .
رئیس -- پیشنهاد آقای زوار .

(بناحو ذیل قرائت شد)

بنده در عده هشت بجای يك فقره مفتش بنظیر پیشنهاد میکنم : وزیر مالیه شخص مشغول نظارت در جریان بود و دعاهای خود بود .

رئیس -- بفرمائید .
زوار -- آن چه مشغول نبود (مسؤل) بود . بنده

راجع به يك فقره مفتش بعضی صحبتها شد که همان است باینکه مفتش بواسطه عده عمده سبب زحمت بشود چون وزیر مالیه جزء هیئت دولت است و هیئت دولت هم صرف عمده کثرت مجلس است لذا برای تکمیل همینان و عمده نمایندگان محترم بنده پیشنهاد کرده که شخص وزیر مالیه مسؤل تقاضای عمل بانک خواهد بود .

رئیس -- آقای بیسائی
بیسائی -- رأی گرفته شود

مخبر -- تقاضای در عمل بانک مربوط بوزیر مالیه نیست و باید باینکه مفتش از طرف دولت معین شود که تابع تغییر کابینه نباشد و معلوم نیست مسئولیت وزیر مالیه در اینجا چه اثری خواهد داشت .

رئیس -- رأی گرفته میشود این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای احمد مزاده (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر عده ۸ بن جمله ضافه شود (وزارت مالیه

باید خلاصه عملیات و وضعیات بانک در هر شش ماه مرتباً به مجلس شورای ملی ابرت دهد)

رئیس - بفرمائید

حتمه زاده - مقصود از این ماده هشت این است که در امور بانک نظارت بکنند و مراقبت شود که مطابق منظور عمومی عملیات بانک بکنم دولت و ملت خائن پیدا نکند. بنده برای اینکه تکمیل شود این نظارت معتقدم این راپورتی که میدهید بوزارت مالیه وزارت مالیه هم يك راپورتی به مجلس شورای ملی بدهد.

رئیس بانک شش ماه يك مرتبه راپورت بوزارت مالیه میدهید و ضروری ندارد که خود وزیر مالیه هم برای اطلاع حاضر آقايان نمایندگان يك نسخه از آن راپورت را به مجلس شورای ملی بفرستند تا آقايان نمایندگان هم از جریان و وضعیت بانک اطلاع پیدا کنند زیرا یکی از مهمترین وظایف آقايان نمایندگان نظارت در ادارات دولتی و جاری قوانین است. به این جهت برای تکمیل نظارت بنده پیشنهاد کرده ام وزارت مالیه يك نسخه راپورت هم به مجلس شورای ملی بدهد.

مخبر - راپورت دادن به مجلس صورتی ندارد زیرا عمل بانک هم یکی از عملیات وزارت مالیه است مثل خزانه و مثلاً دوره عایدات و سایر دوائر وزارت مالیه اگر آقايان واقفاً میخواهند نظارت مجلس را در امور مالی بموقع اجرا گذارند باید سعی کنند که هر چه زودتر دیوان محاسبات تشکیل شود که نظار عملیات دولت باشد و الا هیچیک از این دوائر دولتی از حیث جمع و خرج در تحت نظارت واقعی مجلس نیست. و حالا مقتضی نیست که ما فقط در این جا اختصاص بدهیم به بانک که حساب او را فقط به مجلس ببورند و این صورتی ندارد. بانک هم يك شعبه است از ادارات دولتی. سرمایه او از طرف دولت داده شده و مثل سایر دوائر دولتی که جمع و خرج دارند حسابش باید جزو وزارت مالیه باشد و عایدات او را باید دولت در جزو حساب سالیانه اش

تهیه کند و مجلس ببورد. باید از راه اساسی وارد کار شد و الا در لایحه بانک اشاره به این قسمت کردن دولت راپورت بانک را به مجلس بدهد گمان نمیکم موردی داشته باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای احتش مزاده آقايانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (معهودی قیام کردند)

رئیس - قبل توجه نشد. پیشنهاد آقای امیر اسدالله خان. (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای بیانات نوشته شود عملیات سالیانه. رئیس - آقای امیر اسدالله خان.

امیر اسدالله خان - پیشنهاد بنده را جمع باین بود که عقیده بشیم لغت فارسی استعمال کنیم مخصوصاً در مجلس شورای ملی که آقايان نمایندگان تشریف دارند و نماینده احساسات ملی می باشند مقتضی است که ما قدری دقت کنیم در اینکه الفظی که صورت خارجی دارد در ایران استعمال نشود. کتب لغت ما اینقدر فقیر نیست که اگر بخواهیم بیانات را بدل بفارسی کنیم لغتی برایش پیدا نشود. این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که بیانات تبدیل شود بصورت عملیات سالیانه.

رئیس - آقای باستانی عضو کمیسیون هستید؟ باستانی - خیر. ولی اجازه میفرمائید راجع به بیانات توضیحی بدهم.

مخبر - پیشنهاد ایشان همان مذاکرایی است که مکرر شده. اگر میخواهیم بیانات را ترجمه کرده بشیم هیچکدام از این معانی که فرمودند معنی بیانات نیست و اگر مقصود این است که يك عبارتی باشد همان بیانات بهتر است.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن

پیشنهاد آقای امیر اسدالله خان آقايانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قبل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل. (مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عوض لفظ خلاصه حساب راپورت سالیانه نوشته شود. عدل - عرض میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فسر. (بیان خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در عوض بیانات خلاصه جمع و خرج نوشته شود. فسر - بن نیست. پیشنهاد دیگر بن نیست.

رئیس - بنده قرائت میشود. پیشنهاد دیگر آقای افسر. (مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در عوض حاصه حساب خلاصه جمع و خرج و نتیجه عملیات بانک را منتشر میمائید. رئیس - آقای فسر.

افسر - ولاً بنده از آنوقت که آقای مخبر فرمودند بن کلمه فارسی ندارد خیلی متأثر شده. هر لغتی که در زبان دیگر ترجمه میشود معنی دارد. منتهی ممکن است لغت بسیط نداشته باشد و لغت مرکب داشته باشد. ولی علی ای حال هر لغتی بزبان خارج معنی دارد و هر کلمه را بهر لغت دنیا که بخواهند ممکن است ترجمه شود. پس فارسی دارد منتهی بعضی لغات هست که فارسی است و وقتی که بخواهند بفراسه ترجمه کنند يك لغت مناسبی برایش پیدا میکنند و بآن ترجمه و تعبیر میکنند. ولی بوقت هست که بابك جمله آن عبارت را مینمایند. مثلاً ملاحظه بفرمائید در دو سه روز قبل روزنامه در موضوع لغت

کابینه لاسیون که در جزء اخبار روز خیر داده بود کابینه لاسیون را ترجمه کرده بود بخرق خراج مللای و قتی که در نوشته بن کلمه ترجمه کنند بخرق خراج مللای تعبیر و ترجمه کرده در صورتیکه ما حیا را مگر در تمام دنیا کابینه لاسیون میگویند. بعد معلوم شد که روزی بعضی ترجمه کرده است. حالا بیانات هم منظور است و البته فارسی داده چندجمله در ماده ۴۹ قانون تجارت هم اشاره به این موضوع شده که میگوید مقصود صور حساب است و در قانون تجارتی که از قبل در تجارت گذشته بن مسئله را قید و تصریح کرده حالا بهر صورت مقصود در آن بن کلمه فهمیدیم و میخواهیم آن را بی بدیهه همین است که بنده نوشته ام که همه سالیانه يك خلاصه جمع و خرج و نتیجه عملیات خودش را منتشر بدهد. مقصود همین است که بنده نوشته ام. حالا این کلمه را هر چه باشند میخواهند بن فرانسوی ترجمه کنند میخواهند بیانات را بفرانسوی ترجمه کنند و آقايان میخواهند که فارسی نوشته شود ممکن است شنبه شود و بن مقصود را رساند بنده عرض میکنم مقصود همین خلاصه حساب و ترتیب عملیات است. حالا بنده عرض خواهم کرد که بنده و آقايان در این مورد و بنا عقیده بنده بن قدری در این لغتی که در حقیقت چندین لازم نیست صورت خوشی ندارد. در يك موضوع در مجلس گرفتار شدیم و چاره جز قبول آن نداشتیم و آن کلمه فرس مژر بود که چون دیدیم فارسی ندارد مجبور شدیم در بین اهل این نوشته فرس مژر اما همه جا لازم نیست این کار را بکنیم. و اگر معنی غیر از این است خوب است آقای مخبر توضیح بدهند تا آن معنی را می گرفته شود. در هر حال هر لغتی را که تصور بفرمائید در زبان فارسی خودمان داریم فرضاً که در فارسی يك کلمه نیست به نقص باشد آن مرکباتش نمیتواند جواب مفردات لغت فارسی را بدهد. این است که بنده این طور پیشنهاد کردم. دیگر بنظر

آقایان است .
 فیهی - بنده بهمان دلیل که آقای فسر فرمودند
 خوب عرض میکنم که این جا ممکن است نتیجه شود
 چنانچه در همان روزنامه هم که مثل رفته استاده شده
 بود فرمودند کاپیتولاسیون را ترجمه کرده بودند حقوق
 خارج الممالاتی یا خارج مللکی در صورتیکه کاپیتولاسیون
 غیر از حقوق خارج مللکی است و حقوق خارج مللکی
 exterritorialité (کس تری توریالیت) و کاپیتولاسیون
 عبارت است از معیشت اجانب در يك مللکت . حالا
 در موضوع بیلان هم ممکن است همین اشتباه روی دهد
 و همین سوء تفاهات پیدا شود . حالا بنده يك عدالت
 دیگری خدمتشان عرض میکنم که قانع شوند . در قانون
 تجارت که از کمیسیون گذشته بنده دو ماده از همان
 قانون را برای ایشان می خوانم تا ملاحظه فرمایند .
 هر شرکت سهامی باید شش ماه پیش از خاتمه خلاصه
 صورت دارایی و قروض خود را ترتیب داده و به
 مفتشین بدهد بعلاوه شرکت های مزبور باید مطابق ماده
 ۹ این قانون صورت حسابی که متضمن دارایی منقول
 و غیر منقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد
 ترتیب دهد . این صورت حساب و همچنین بیلان و حساب
 نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهار روز قبل از انعقاد
 مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند .
 این جا ملاحظه فرمائید که بیلان را مخصوصاً توضیح داده
 ماده ۴۹ در پارزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر
 صاحب سهم می تواند در مرکز شرکت بصورت حساب
 و صورت اسمی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که
 متضمن خلاصه صورت حساب شرکت است و از راپورت
 مفتشین سواد بگیرد . در این جا هم باز باینکه همه اینها
 را ذکر کرده است بیلان را هم ذکر کرده است . در قانون
 شرکت ها همه جا ذکر از بیلان شده . بهر حال باید تصدیق
 کرد که کلمه بیلان مثل بانک و تلفون و تلگراف و غیره يك کلمه
 بین المللی شده که باید او را قبول کرد زیرا هیچ کلمه

دیگری نمی توان بجای او گذارد . اگر يك وقت آکادمی
 درست شد و يك کلمه مناسبی وضع کردند آنوقت البته
 عیبی ندارد . اما حالا نمیشود از این کلمه صرف نظر
 کرد زیرا اگر بنا باشد ما حالا يك کلمه وضع کنیم
 بعد از چندی دیگر از کجا بدانیم که مقصود از این
 کلمه بیلان بوده است ؟ ممکن است اشتباه شود و درست
 مقصود را نماند و در آتیہ اسباب زحمت و اشکال
 شود .

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد
 آقای فسر آقابانیه قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
 (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای حاج
 میرزا مرتضی .
 (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم هر شش ماه تبدیل به سه
 ماه شود .

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی
 حاج میرزا مرتضی - البته مقصود از دادن صورت حساب
 بوزارت مالیه برای این است که مالیه اقتدار داشته
 باشد بر عملیات بانک و از جریان اوضاع آن اطلاع
 پیدا کند تا اگر اختلافی شد از آن جلوگیری کند
 حالا به عقیده بنده ضرری ندارد که هر سه ماه به
 ماه این صورت حساب را بدهد زیرا اگر يك کارهائی
 بشود وزارت مالیه زود تر می تواند جلوگیری کند . و هیچ
 زحمتی هم ندارد . چه فرق میکند . این که شش ماه بشه
 صورت میدهد سه ماه سه ماه بدهد .
 مخبر - بسته است به نظر مجلس .

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حاج
 میرزا مرتضی . آقابانیه تصویب میکنند قیام فرمایند
 (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(باین عبارت خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که برای شهر های صنعتی ایران
 يك مبلغی اضافه اعتبار ببانک داده شود که چون غالباً
 قدر بر تاسیس صنایع خود نیستند بتوانند از صنایع خود
 استفاده نمایند .

رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - هر چند این پیشنهاد خودم را عملی
 ندانم ولی غرضم تذکر دادن است که اگر انشاء الله
 بانک تاسیس شود و بکار و جریان بیفتد بلاد صنعتی را
 بیشتر طرف توجه قرار دهند و با آنها بیشتر کمک بشود .

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد
 آقای فیروز آبادی آقابانی که قابل توجه میدانند
 قیام نمایند .

(معدودی قیام کردند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر آقای
 فیروز آبادی .

(شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که بعنوان تبصره یا ماده اضافه
 شود که صاحب مال می تواند از شعبه رهنی تقاضا نماید
 قبل از انقضای مدت مقرره آنچه را که در بانک
 گذاشته حراج نماید و بانک مکلف است قبول نماید
 رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده همان طوری که سابقاً عرض
 کردم نیم ساعت یا سه ربع قبل عرض کردم . معتقدم اموالی که در
 بانک گذاشته میشود ممکن است صاحب مال احتیاج داشته
 باشد و مال دیگری هم نداشته باشد که در مرتبه رهن
 بگذارد و اگر خواست همان چیزیکه گرو گذاشته بفروشد
 و اگر چنین تقاضائی از بانک کرد بانک مکلف و مجبور
 باشد که او را به فروش برساند بدون خودش را
 بدارد و مازاد آنرا بصاحبش رد کند . تا مشغول
 کار شود .

مخبر - نظر آقای فیروز آبادی خیلی خوب است ولی
 موردش اینجا نیست و در آخر قانون خوب است که
 بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کنند و بعقیده بنده اگر در
 ماده قبل پیشنهاد شده بود بهتر بود

رئیس - رأی میگیریم آقابانیه که این پیشنهاد را قابل
 توجه میدانند قیام فرمایند
 (معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر آقای
 فیروز آبادی
 (ترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که کلیه اسبابی که بشعبه رهنی
 آورده میشود رضایت طرفین تقویم شود و این پیشنهاد
 بعنوان تبصره اضافه شود

رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - غرض عرضم در این پیشنهاد این
 است چون بعضی از مردم شکایت میکنند اموالی که ما
 در بانک میگذاریم و قیمت میکنند نلک و ربع قیمت
 میکنند باین ملاحظه پیشنهاد کردم که تقویم رضایت
 طرفین باشد که به تراضی این کار بشود آنوقت اگر
 صاحب مال قبول کرد نه هیچ و الا می رود بی کارش
 در هر حال مقصود این است که رضایت طرفین تقویم
 شود نه اینکه تقویم يك طرفه باشد .

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این
 پیشنهاد آقابانیه که موافقت قیام فرمایند
 (چند نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای زوار .
 (باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بماده هشت دولت رأی گرفته
 شود .

رئیس - آقای زوار

زوار - بنده کاملاً بد تبادل افکار علاقه مندم البته يك موضوعی که مجلس میباید باید تبادل افکار در آن شود و نتیجه این برای مملکت بهتر است. ولی گاهی دیده میشود که در سر يك لایحه مهم و معظمی يك چیزهای کوچکی گفته میشود که حقیقتاً وقت مجلس را تلف میکنند و يك لایحه خوبی که به مجلس میآید دچار اشکالات میشود. مثلاً در این لایحه باین معظمی و مهمی يك ایرادات کوچکی میشود که هیچ شایسته نیست. مثلاً لفظ کمیسیون خودش فرانسه است و تا کنون هیچ طرف توجه نشده است و يك اصطلاحاتی است که در این مملکت متداول است و هیچ اظهاری در آنها نمیشود آنوقت در سر کلمه بیلان يك مذاکره میشود، گاهی نمایندۀ محترم بر معلومۀ تشانی افزوده بیلان میگویند و گاهی طور دیگر میفرمایند و بالاخره وقت مجلس تلف میشود. بنده عقیده ام این است که بهتر این است بهمان ماده دولت رأی گرفته شود که این حرفها از میان برود.

رئیس - ماده هشت لایحه دولت مربوط باین موضوع نیست.

بگنفر از نمایندگان - غرضشان ماده کمیسیون است زوار - پس این را مسترد میدارم و درست پیشنهاد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بمضمون آن خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارات راجعه به تعیین مفتش تا آخر ماده حذف شود.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده بانك ملی یکی از مؤسساتی است که باید دولت یعنی وزارت مالیه در حدود قوانین که از مجلس گذشته است اداره کند و بنابراین هر يك از وزراء مکلفند برای تأمین حق استعمال قانون در حدود مسؤلیت خودشان بوسائل قانونی متمسک شوند. بنا براین هیچ دلیلی ندارد که يك موضوعی که مربوط بقوه اجرائیه است مانع از این جا عنوان کنیم.

خود را بوزارت مالیه تقدیم و در آخر هر سال نتیجه عملیات سالانه و وضعیت فعلی خود را منتشر نماید

رئیس - آقای دکتر رفیع خان

دکتر رفیع خان - در آن ماده هشت یک دفعه نوشته شده است رئیس بانك هر شش ماه یکمرتبه خلاصه حساب و وضعیت بانك را بوزارت مالیه راپرت میدهد. در دفعه دوم نوشته و در آخر هر سال بیلان را منتشر نماید آقایان محترم لفظ بیلان را درست ملتفت نشده اند و اگر درست دقت شود لفظ بیلان در این سطور هست. بیلان يك لفظی است لاتینی و بمعنی میزان و ترازو است و بمعنی موازنه است. و اینکه بنده عرض کردم در شش ماه اولیه سال راپرت سالانه داده شود برای این است که از عملیات بانك اطلاع حاصل شود و این عبارتی که بنده در پیشنهاد عرض کرده ام که وضعیت فعلی و عملیات سالانه خودش را در آخر سال ارائه دهد این جمله همان بیلان را می رساند. مقصود این است که آخر هر سال فهمیده شود که بانك چه دارد و چه ندارد و عملیاتش چیست و وضعیت فعلیش از چه قرار است. این مراتب را باید در آخر هر سال بنویسد و اطلاع دهد و بعلاوه بنده بقیه ماده را هم حذف کرده برای اینکه يك تبصره بشود یا يك ماده الحاقیه. زیرا مقصود مفتش نیست.

يك نفر مفتش که بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه معین میشود مقصود نیست اگر مقصود مفتش است که در نظامنامه نوشته خواهد شد و اگر مقصود نمایندۀ دولت است که او مفتش نیست پس باید ماده الحاقیه یا تبصره برای آن نوشت.

رئیس - آقای مخبر ؟

مخبر - توضیحات کافی در تمام این مسائل داده شده است دیگر بسته است برای مجلس

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این

پیشنهاد. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. رأی گرفته میشود بماده هشت. باید تجزیه شود قسمت اول

(بمنظور خوانده شد)

ماده ۸ - رئیس بانك هر شش ماه یکمرتبه خلاصه عملیات و وضعیت بانك را بوزارت مالیه راپورت میدهد و در فروردین ماه هر سال خلاصه حساب (بیلان) سال قبل را منتشر مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود باین قسمت آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. قسمت دوم

(اینطور خوانده شد)

بعلاوه بگنفر مفتش بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء برای نظارت در جریان امور و معاملات بانك معین میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود بقسمت دوم. آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود به مجموع هر دو قسمت. آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بماده یا تبصره آقایانیکه موافقند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. جلسه را ختم میکنیم. دستور جلسه آتی.

وزیر معارف - راجع بلایحه تعلیمات ابتدائی که ارجاع به کمیسیون شده بود کمیسیون رأی خودش را داده

و راپورتش را تقدیم مقام ریاست کرده است بنده تقاضا میکنم آقایان موافقت فرمایند که جزو دستور جلسه آتیه شود

عده از نمایندگان - بعد از بانك .

وزیر معارف - بنده مخالف با بانك نیستم ولی این نکته را هم لازم است عرض کنم که سه ماده بود که بکمیسیون ارجاع شده بود و تصور میکنم شور در آن وقتی لازم نداشته باشد . بعلاوه هر قدر این کار عقب بیفتد متأسفانه وسائل مشکل میشود پس بهتر این است

که هر چه زودتر این لایحه تصویب شود .

رئیس - دستور جلسه آتیه اولاً راپرت شعبه نسبت بانتخابات سیرجان ثانیاً لایحه تعلیمات عمومی ثالثاً لایحه بانك معاون وزارت فواید عامه - می خواستم عرض کنم لایحه اضافات بودجه ۱۳۰۵ وزارت فواید عامه هم اگر مجالی باشد در آخر جلسه آتیه جزو دستور گذارده شود و ضمناً اگر آقایان سؤالاتی دارند در این جلسه یا جلسه بعد حاضر برای جواب هستم .

(مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)